فانوس ۴

در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی/ شماره چهارم / تابستان ۱۳۹۲

گذری بر ابعاد هیأت انقلابی

هیأت نباید انگلیسی باشد

فانوس۴
درجستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی
گذری بر ابعاد هیأت انقلابی
هیأت نباید انگلیسی باشد

نویسنده: محمدعلی رضاپور
ویرایش و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح نامواره و صفحه‌آرا: علی ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۰۰۰ تومان(غیرقابل فروش)
نشانی: قم، بلوار امین، کوچه۱۰، پلاک ۲۰
جامعه ایمانی مشعر
کدپستی: ۱۵۴۸۷ ـ ۳۷۱۱۳
تلفکس: ۵۱ ۸۹ ۹۲ ۳۲ ـ ۰۲۵
سامانه پیامک: ۱۵۴۲ ۰۰۰ ۳
پایگاه اطلاع رسانی: www.۱۵۴۲.ir
رایانامه: mag@۱۵۴۲.ir

نشریه شب‌های هیأت(هیأت فاطمیون قم)
نشانی: قم، خیابان ۴۵مترعماریاسر، مسجد اهل بیت
تلفکس: ۶۷ ۸۹ ۹۲ ۳۲ ـ ۰۲۵
سامانه پیامک: ۱۴۰۶ ۰۰۰ ۳
پایگاه اطلاع رسانی: www.fatemiyon.ir
رایانامه: info@fatemiyon.ir
استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.
مطالب نشریه، لزوماً بیانگر دیدگاه‌های جامعه ایمانی مشعر نمی‌باشد.

مقدمه

هیأتِ تراز انقلاب اسلامی، همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت کرد. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر(عج) باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور... ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید؛ اما لازم است و ضروری...

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم. یکی از ابعاد هیأت تراز، همان دغدغه همیشگی دوستان و همراهان انقلاب اسلامی است: که نسبت نهادهای دینی نظیر روحانیت، هیأت و مساجد با انقلاب اسلامی چیست؟ آیا انقلاب اسلامی که خود به نوعی برآمده از این پایگاه‌ها و نهادهاست باید راه خود را برود و این نهادها هم مستقلاً مسیر خود را پی‌بگیرند؟ این سؤال‌ها و دغدغه‌های مشابه آن هنوز جای مناسبی برای طرح و بحث نیافته‌اند. یکی از عرصه‌های پیش‌روی فانوس پیگیری همین دغدغه‌هاست.

فانوس بنا نیست حرف آخر را در این مسائل بزند. کار فانوس اتفاقاً به میان آوردن حرف اول است. طرح بحث و موضوعی که می‌تواند -و البته باید- تضارب آرا و نقدهایی در پی خود داشته باشد که جای طرح همان نقدها و آسیب‌شناسی‌ها هم همین‌جاست. دغدغه‌های این شماره از فانوس برآمده از هیأت فاطمیون و نشریه داخلی این هیأت «شب‌های هیأت» است. معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر مشتاقانه آماده دریافت نظرات و انتقادهای پیرامون چهارمین فانوس و سایر تولیدات و محصولات است.

ضرورتِ شناختِ هیأت انقلابی

تعریفِ درستِ «هیأت انقلابی» چیست؟ مبنای مبحث هیأت تأثیرگذار و درون‌زا و متعالی چیست؟ پسوند «انقلابی» برای هیأت، کدام هیأت‌ها را قید می‌زند؟ اصولاً چرا می‌بایست در فضای کلی هیأت‌های مذهبی تقسیم بندی تحلیلی و صحیح صورت پذیرد؟

همه این پرسش‌ها و چندین پرسش مطرح دیگر در باب هیأت‌های مذهبی، ما را بر آن داشت تا در چند فصل به مفهوم شناسی «هیأت تراز انقلاب اسلامی» و آرمان بلند آن که برپایی تمدن نوین اسلامی است، بپردازیم.

گام اول، شناخت ضرورت‌های این بحث است. شاید بهترین نشان برای ضرورت طرح این بحث، این است که هیأت‌ها در گذشته -به ویژه پس از دوران صفویه- در ایران، نمودِ یک حرکتِ مردمیِ برخاسته از عمقِ ایمانِ فردی به حساب می‌آمد. عنصرِ عاطفه به عنوان درون‌مایه اَصلی همه شئون آن به حساب می‌آمد؛ و تا ده‌ها سال در هیأت‌ها خبری از عنصر حماسه و دمیدن حماسه به کالبد جامعه نبود. به همین جهت بود که حکومت‌های طاغوتی و پادشاهی در کنار ظلم آشکار خویش، تعرضی به ساحت هیأت‌ها و محافل مذهبی نمی‌نمودند. تا اینکه رگه‌های روشنی از عنصر حماسه در سال‌های ابتدایی حکومت پهلوی اول در برخی محافلِ هیأتی و روضه‌ها به چشم خورد. در این زمان بود که تفکر استعماری و در صدر آن انگلستان خبیثِ بنای مبارزه و محدود ساختنِ هیأت‌ها و محافل روضه سیدالشهدا علیه‌السلام گذاشت و کار به جایی رسید که با سفاهت پهلوی اول توانستند برپایی علنی روضه‌ها

را تعطیل نمایند؛ اما این آتشِ زیرِ خاکستری بود که شعله‌اش سال‌ها بعد دودمان استکبار و نوچه‌های داخلی‌اش را بر باد داد.

سال‌ها بعد نیز با ظهور انقلاب اسلامی و رشد و پویاییِ نظام اسلامی که خود به فرمایش امام عظیم‌الشأن از ثمرات روضه اباعبدالله ﷺ بود، باز هم خط سیاهِ توطئه، موذیانه و بدون عقبه حکومتی داخلی، نقشه براندازی ساختار هیأت‌های مذهبی را در پیش گرفت.

استکبار این بار به جای ممانعت از روضه‌های علنی، به تکثیر هیأت‌های غیر انقلابی مبادرت ورزید و در راستای آن، حرکتِ «استحاله از درون» را سازماندهی کرد. به این مبحث در قسمت‌های بعد خواهیم پرداخت. اما به لطفِ برکات روضه خوانی‌ها و هوشیاری متمسکین واقعی به مصیبت‌ها و روضه‌های حضرات آل الله ﷺ این جریان طرفی چند نبست و نتیجه نداد؛ و باز این آتش شعله‌ور بود که نه تنها اسیر رخوت و سستی نشد، بلکه در وقایع مهم انقلاب -که از جمله آن می‌توان به خروش انقلابی و حسینی ملت در نهم دی ماه ۱۳۸۸ اشاره کرد- شعله‌اش بالاتر گرفت.

به این دو مرورِ کوتاه و اجمالی، در ضرورتِ طرحِ بحثِ پیش‌رو اکتفا می‌نماییم؛ در یک جمله کوتاه می‌توان گفت: «ضرورتِ وجود هیأت انقلابی و توجه به آن، ناشی از ضرورت اثبات تشکل حق و نفی تشکل باطل است.»

هیأت انقلابی، محفل نیروسازی برای بدنه حرکتِ عظیم و پیشروِ انقلاب اسلامی در سایه نظام اسلامی است. این هیأت، ساختار ساز جمهت حکومت اسلامی و نیز تربیت شهروندان شایسته تمدن اسلامیِ عصر است.

چیستی و تعریفِ هیأت انقلابی

شـــاید بتوان در بحث تعریفِ صحیح از هیأت انقلابی از روایت زیبای اهل بیت از لســـان مبارک امام صادق ﷺ بهره برد که فرمودند: «کونوا لنا زیناً و لا تکونوا علینا شـــیناً». با دقتی کوتاه در این روایت و روایاتِ مشـــابهِ آن، می‌توان این‌گونه دریافت نمود که هیأت نیز مانند افراد می‌بایســـت موجب زین و سربلندی حضرات معصومین ﷺ باشد و خدای ناکرده اسباب سرافکندگی ایشان را فراهم نیاورد.

همان‌طور که گذشـــت، هیأت انقلابی دارای یک روح کلی اســـت که از باطن آن روحِ کلی می‌توان به رسالت‌ها، رویکردها، برنامه‌ها و مأموریت‌های خرد و کلانِ «هیأت تراز انقلاب اسلامی» پی برد.

به نظر نگارنده، روح کلی هیأت انقلابی، مفهوم شناســـیِ صحیح از مبحث نیروســـازی و جریان‌سازی اســـت. هیأت انقلابی، محفلِ نیروسازی برای بدنه حرکتِ عظیم و پیشرو انقلاب اسلامی در سایه نظام اســـلامی است. این هیأت، ساختار ساز جهت حکومت اســـلامی و نیز تربیت شهروندانِ شایسته عصرِ تمدن اسلامی است.

همـــه این‌هـــا را می‌توان در یک عبارتِ کوتـــاه خلاصه کرد و آن بحث عمیـــق و تأمل‌برانگیزِ «تربیت حماســـی» اســـت. در واقع هیأت را می‌توان این‌گونه معنا کرد: «هیأت یک قرارگاهِ بزرگ برای تربیت حماسیِ نسل‌هایِ انقلاب با توجه به اقتضای قشر و سن و... است».

از ســـوی دیگر، هیأتِ انقلابی محور جریان‌سازی در بستر نظام اسلامی، هدایتگر و شکل دهنده دولت اســـلامی، ساختارســـاز برای حکومت اســـلامی، و نیز پیش‌برنده تفکرِ برپایی تمدن نوین اسلامی نیز

هست. به واقع هیأت‌های مذهبی نقشی محوری در حرکت‌آفرینی و شکل‌دهی به شور انقلابی و شعور اجتماعی دارند. نظیر آن را می‌توان در دفاع مقدس و نیز عبور سربلندانه ملت و نظام از گردنه‌های صعب‌العبور فتنه‌ها مشاهده کرد.

برپایی و اثبات تشکل حق، و نفی تشکل باطل تنها با تربیت حماسی میسر است. تربیت حماسی که روی دیگر بحث «سبک زندگی دینی» و از پایه‌های اساسی آن به حساب می‌آید؛ درست در نقطه مقابل تفکرِ غرب و تربیت‌های اومانیستی و سبک زندگی غربی قرار دارد. در تربیتِ حماسی موردِ نظرِ هیأت‌های مذهبی، محور، خداوند و اولیای او -به ویژه شخصیت عظیم حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام- است؛ اما در تربیتِ پوچ‌گرا، مادی و مبتذل غرب، «انسان» محور، ابزار و معیارِ حرکت‌ها است؛ و اینجا درست نقطه مصافِ بزرگ دو تفکر حق و باطل در جهان امروز است.

وجه تمایز هیأت منفعل و هیأت فعال در محتوای آن پیدا خواهد شد. چه می گوییم، چه می خوانیم، چه می‌نویسیم، چه نشان می‌دهیم، چه عرضه می کنیم و خیلی مسائل دیگر، از محورهای اصلی محتواسازی هیأت‌های انقلابی برای مخاطبین است.

کیفیت و چگونگی هیأت انقلابی

پس از بررسی اجمالی ضرورت‌ها و چیستی‌ها می‌بایست به کیفیت تشکیل، هدایت و حرکت هیأت‌های انقلابی پرداخت. این نقطه نیز نقطه تمایز بحث است که گاه از آن به تفاوت ممشای و روش یاد می‌شود. برخی اختلافات ظاهری در بدنه هیأت‌های مذهبی نیز درست از همین موضع آغاز می‌شود. کیفیت و آداب هیأت‌داری مبحثی بسیار فنی و دقیق است که در این مجال کوتاه نمی‌توان به همه ابعاد آن پرداخت و شاید اکتفا به ذکر چند نکته کوتاه سررشته بحث را ادامه بخشد.

هیأت‌ها بر سه اصل اساسی استوارند که عبارت است از:

الف)مخاطب، ب)محتوا و ج)خادمین، مدیران و مجموعه اجرایی هیأت.

برنامه ریزی صحیح و هدفمند، بر اساس روح حاکم بر هیأت‌های مذهبی -که قبل‌تر عرض شد همان تربیت حماسی و جریان‌سازی انقلابی است- برای هر سه بخش بسیار مهم و اساسی است.

مخاطب هیأت که در روایات و افواه حضرات آل الله ﷺ یکی از اصولی‌ترین و شریف‌ترین ارکانند، در کجای این ماجرا قرار دارند؟ نقش هیأت انقلابی در قبال این بخش چیست؟

آن‌چه روشن است هیأت انقلابی می‌بایست برای خود، نسبت به مخاطبان خویش، علاوه بر حفظ حرمت و کرامت و خدمت به این بزرگواران؛ نقش تربیتی و هدایتی تعریف نماید. استفاده از سرچشمه لایزال معرفت حسینی و علوی و فاطمی، و پیوند آن با لایه‌های اساسی زندگی مردم و تأثیرگذاری بر فرآیندهای اجتماعی آن‌ها، و در یک کلام ترویج «سبک زندگی حسینی و عاشورایی» چه در لایه‌های

فردی و چه در لایه‌های اجتماعی، آن هم با توجه به روشِ تربیتیِ اصیلِ شـــیعی که ناظر بر «تربیت حماسی» است؛ از مأموریت‌های اساســـی هیأت است. استفاده از نیروهای تربیت‌یافته در این مکتب، و ســـازماندهی و جریان‌سازیِ مؤثر در راستای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی مأموریتِ دومِ هیأت‌های انقلابی نسبت به مخاطبین خود است.

محتوای هیأت نیز به طریق اولی می‌بایســـت در خدمت همین آرمان و هدف قرار گیرد. منبر، وعظ و خطابه، ذکر و روضه، شعر، سرود، نوحه، نشریه و خیلی از مسائل دیگر، از مصادیق و قالب‌های سنتی و نوینِ محتوای هیأت هستند. وجهِ تمایز هیأتِ منفعل و هیأتِ فعال در محتوای آن پیدا خواهد شد. چه می‌گوییم، چه می‌خوانیم، چه می‌نویسیم، چه نشان می‌دهیم، چه عرضه می‌کنیم و خیلی مسائل دیگر، از محورهای اصلی محتواســـازیِ هیأت‌های انقلابی برای مخاطبین است. پر واضح است که این همه می‌بایست در خدمت آرمان باشد.

نمی‌توان منبر غیر انقلابی و رخوت‌انگیز داشـــت و تربیت حماسی را شکل داد. نمی‌توان اشعار و اذکارِ غیر نافع و منحرف عرضه کرد و توقع جریان‌سازی داشت. در این مجمل نمی‌توان به مثال‌ها و مصادیق آن اشاره کرد. کافی است در میزان تأثیرگذاری هر یک از این بخش‌ها، سری به بعضی هیأت‌ها بزنیم تا حسابِ کار دستمان بیاید. ...از کوزه همان برون تراود که در اوست!

نقش خادمی نیز نقش مهمی اســـت که باز پرداختن به آن نیازمند مجالی بســـیط است. البته بازوی هدایت‌گر، شـــکل‌دهنده، و محورِ تربیت، تحول و جریان‌سازی همین قشر خواهند بود. پر واضح است که خادمی خود می‌بایســـت مســـلط بر آرمان، محتوا و هدف باشـــد. این از مواردی است که کوزه‌گر نبایســـت خود از کوزه شکسته بنوشـــد. مقام، مقامِ سقایت است. خادم ساقی العطاشای هیأت انقلابی اســـت. می‌نوشد و می‌نوشـــاند. باید در تبیینِ نقشِ مهم خادمی، و ضرورتِ سقایتِ ایشان به محتشم مراجعه کرد:

زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد فریاد العطش ز بیابان کربلا

به راستی که خط اساسی در هیأت‌های انقلابی تقوا است. چه تقوای فردی و چه تقوای جمعی و تشکیلاتی؛

آسیب‌های هیأت انقلابی

هیأت انقلابی -مانند همه تشـــکل‌های حق- قطعاً به واســـطه روح حق بودنش، به خودیِ خود، گاهی برخی آسیب‌های غیر ذاتی را نیز متوجه خویش می‌بیند.
اما فرآیند عبور از آسیب‌ها و چالش‌ها نیز در خود هیأت انقلابی تعبیه شده است و آن خروش و پویایی انقلابی است. بیداری و بصیرت و مفاهمه دقیق از موقعیت‌ها و مواقف است.
پرداختِ مو به موی این بحث نیز همانند مباحث قبل نیازمند مجال وســـیع‌تر است اما آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید...
شـــتاب‌زدگی، رخوت و سستی، فقر تقوای فردی و جمعی، تشکل‌ناپذیری و تشکل‌گریزی، بی‌برنامگی، ظاهرگرایـــی، تجمل، افراط و تفریط، بی‌همتی و ســـست‌عنصری، عدم مســـئولیت‌پذیری، روزمرگی، جذابیت‌های کاذب، ریزش‌های بی‌مورد، رویش‌های نامطلوب، نداشـــتنِ نظام تربیتی، سیاست‌زدگی، تشـــکیل ساختارهای غیر ضروری، وابستگی اقتصادی و سازمانی به منابَع و افَراد کم‌تقوا و بی‌بصیرت، عدم قدرتِ ترمیم تشـــکیلاتی، فـــرد محوری و خودکامگی، بی اخلاقی در برخـــورد، جذب، ارتباط و تربیَت مخاطب، ســـطحی‌گرایی، بی‌توجهی به علم و اندیشـــه، و مصاحبت با علما، ولایت‌گریزی، نفاقِ پنهان، بی‌تقوایی در مناســـبات و ارتباطات، بی‌ســـلیقگی در فرآیندها، عدم توجه به زیبایی‌شناســـی، انتقاد ناپذیری، احساساتِ بی‌محاسبه، حماسه بی‌عاطفه، بی‌توجهی به مناسبات فردی و خانوادگی در خادمین، عدمِ تعریف صحیح از خودی و غیر خودی، عدمِ شناخت عوام و خواص، و...

این موارد تنها بخشـــی از محورهای اصلی آسیب در هیأت‌های انقلابی بود. به راستی که خط اساسی در هیأت‌های انقلابی تقوا است.
چه تقوای فردی و چه تقوای جمعی و تشـــکیلاتی؛ و بهترین روش جهت شـــناخت این آسیب‌ها نیز همان سه گام بزرگ اخلاقی است که در هر دو بخشِ فردی و جمعی می‌بایست توجه به آن داشت و آن عبارت است از: مشارطه و مراقبه و محاسبه؛ و صَد البته باید همانندِ جنابِ حافظ گفت:

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری‌ست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش!

این امر که کدام برنامه و محتوا در کدام زمـــان و در مواجهـــه با کدام مخاطـــب مفیدتر اســـت، از نکاتی است که توجه به آن از نان شب هم برای یک مجموعه فعـــال هیأتـــی واجب‌تر است.

هیأت انقلابی و مهندسی فرهنگی

شـــناخت صحیح از میدان عملیات و تاکتیک‌ها و تکنیک‌های میدان خودی و دشـــمن، نقطه اساسی یک فرماندهی موفق است. اگر هر یک از هیأت‌های انقلابی را مثابه یک گردان عملیات فرهنگی فرض کنیم، مقوله مهندســـی فرهنگی بسیار مهم و اساسی به نظر می‌رسد. هندسه فرهنگی، همان ساختارِ پیش‌برنده فعال در یک محورِ عملیاتِ فرهنگی اســـت. تعریف اجمالیِ مهندســـیِ فرهنگی، چینش و مدیریت عناصر فرهنگی اســـت. علاوه بـــر ارکان ذاتی هیأت که پیش‌تر ذکر شـــد (مخاطب، محتوا، خادمیـــن)، عناصرِ مهمِ دیگری در فضای هیأت‌هـــای انقلابی وجود دارد که «صنایع فرهنگی» نامیده می‌شود. تعریف عمومیِ و ساده صنایع فرهنگی بیشتر در بخشِ محتوا و ابزارهای پیش‌برنده خادمین، در مواجهه با مخاطب بیان می‌گردد. زمان‌شناسی و مخاطب شناسی جزو الزامات مهندسی فرهنگی در هیأت انقلابی است. این امر که کدام برنامه و محتوا در کدام زمان و در مواجهه با کدام مخاطب مفیدتر است، از نکاتی است که توجه به آن از نان شب هم برای یک مجموعه فعال هیأتی واجب‌تر است.

مهندسی فرهنگی قدر مسلم ایجادِ ساختارِ غیر پویا و زائد نیست؛ بلکه ایجاد نظم و هارمونی در اجرای یک عملیات مؤثر اســـت. داشتن یک کالکِ عملیاتی دقیق، محصولِ یک عملیات مقدماتیِ شناسایی و اطلاعاتی موشکافانه، و یک طراحی عملیاتی قدرتمند است. طراحیِ نقشه جامع، افق چشم‌انداز، سند راهبردی و منظومه فکری از لوازم مؤثر در مهندسی فرهنگی است. البته باید مراقب بود که پرداختن به اصول، موازی با حرکت اتفاق بیفتد و توقف، بزرگ‌ترین خطر در مسیرِ رشد و پویایی است.

هیأت انقلابی و شناخت صف بندی مقابل آن

آیا ترکیب دو عنوانِ هیأت و انگلیسی، جمعِ دو نقیضِ ذاتی نیست؟ آیا می توان خط روشنی از تمایز بین هیأت‌های انگلیسی و انقلابی تعریف کرد؟

شناخت صحیح از موقعیت و ادوات و استعداد نیرویی دشمن و نیز خدعه‌ها، ترفندها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های عملیاتی دشمن، امری بسیار مهم و اساسی است. هیأت انگلیسی که در تیتر بحث استفاده شده است چیست؟ و چگونه می‌بایست با آن مقابله کرد.

همان‌طور که پیش‌تر عرض شد نقطه مقابل تشکل حق، صف‌بندیِ تشکل باطل است؛ و اصولاً اثبات تشکل حق، نفی تشکل باطل را به همراه دارد. این مصافِ بزرگِ تاریخ خلقت است و عاشورا نتیجه صید شدن مردم آن دوران در دام نظام باطل می‌باشد. استعمال واژه انگلَیسی در این عنوان به جهت سوء سابقه اَین تفکر استعماری است که همواره در مواجهه با قدرت‌های مقابل خویش درصدد استحاله و فروپاشی از درونِ قدرت‌های مقابل، مبادرت ورزیده است.

اما نقطه تماس و ارتباط تشکیلات و هیأت‌های مذهبی با تفکر باطل و انحرافی کجاست؟ آیا ترکیبِ دو عنوانِ هیأت و انگلیسی، جمعِ دو نقیضِ ذاتی نیست؟ آیا می‌توان خط روشنی از تمایز بین هیأت‌های انگلیسی و انقلابی تعریف کرد؟

پاسخ به همه این پرسش‌ها بسیار مهم و در عین حال مشخص است. هیأت یک ساختار اجتماعی دینی است. حال اگر از این ساختار رکن اجتماعش ناسالم شود و یا به نوعی متأثر ناپاکی گردد، رکن دینش را نیز به ابتذال خواهد کشاند.

در واقع بخشِ عمده‌ای از این بحث، به دو رکن اصلی هیأت‌ها که محتوا و خادمین هستند، برمی گردد.

اگر محتوا و خادمین، از یک مانیفست و آرمان ناسالم متأثر باشند؛ می‌توانند چون زهری کشنده کالبد مخاطب را در برگرفته و روح او را آلوده سازند.
مخاطب با تمام توان، برای بهره‌مندی از هیأت آمده اســـت و این هیأت است که می‌تواند اسباب رشد و یا انحراف او را فراهم آورد.



شاخص‌های هیأت انگلیسی

شاخص‌های هیأت انگلیسی چیست؟
شـــاخص در پسوندها و تعریف صحیح آن‌ها نهفته است: انقلابی و انگلیسی! شناخت اقتضائات هرکدام در رسیدن به تعریف واقعی بسیار مهم است.
در این مبحث، تیپولوژی و قشرشناســـی فکری، محوریت دارد. به واقع نکته اساســـی در این قســـمت پرداخت عالمانه به موضوع هیأتِ سکولار و سکولاریسمِ هیأتی است.
جدایی سیاســـت انقلابی و دینیَ از فرآیندهای مذهبیَ؛ و این در تکمیل پازل سکولاریسم در اندیشه غرب که همان جدایی مذهبی و دین از فرآیندهای حکومتی و سیاسی می‌باشد تعریف می‌گردد.
اما تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها کمی متفاوت است.
ســـکولاریزه کـــردنِ هیأت‌های مذهبی با توجه بـــه ظرافت‌های دینی ذاتی در بطن هیأت، مســـتلزم دقت‌های موذیانه خاَص از ســـوی استکبار و اســـتعمار بود؛ لذا بهانه اَساسی لازم بود تا بتوان با آن بهَ مقابله با این مقوله رفت.
همان استراتژی بر شاخه نشستن و بن شاخه بریدن.
مانند اینکه یک هیأت، عامدانه یا غافلانه، وارد یک جریانِ منحرف شـــده و با برخی معارفِ سطحی به جنگ با معرفتِ نابِ عاشورایی و روحِ حماسه حسینی برود.
در ادامه به برخَی تاَکتیک‌ها و تکنیکَ‌های دشمن بدون اشاره به سابقه و مصادیق خواهیم پرداخت:
۱. استفاده از عنصرِ عاطفه در مقابل عنصر حماسه، پررنگ کردنِ احساسات در مقابل اندیشه، ترجیحِ تباکی بر بکا، و رجحانِ ظاهر مصیبت بر باطن مصیبت. در این مورد آن‌چه مورد تاخت و تاز دشـــمنَ قرار گرفت، ســـوء استفَاده از اقامه عزا بر بزرگ‌ترین مصیبت عالم و جدا کردنِ اهدافِ حماسه حسینی از عاطفه سرشار و جاری در واقعه کربلا بود. گام اولی که سهل‌تر به نظر می‌رسید.
هر چند در این مســـیر نقدهای مغلوطی هم انجام شـــد که بیش‌تر از جلوگیری به پیش‌بردِ آن کمک کرد. نقدهایی که «از آن طرف بام افتادن» بود و به کل داستان عاطفه را از حماسه و معرفت حسینی

آیا به واقع هدف قیام حسینی را می‌توان بدون تحلیل انقلابی کامل دانست؟ آیا اگر قیام حسینی، در میدان کربلا غالب می‌شد، حسین ابن علی علیه‌السلام به کنج مسجد می‌رفت و سبحه بر کف می‌گرفت و با حکومت کاری نداشت!؟

دور می‌کرد.
هر دو ســـو ناخواســـته و یا خواســـته در زمین دشـــمن بازی کرده بودند. پیراهن عثمان‌هایی که به خون‌خواهی آن دشمن به راحتی می‌توانست جنگ جمل‌هایی راه بیندازد.

۲. اســـتفاده از بحثِ کرامتِ ساحتِ اهل بیت ﷺ و طهارتِ آســـتانِ حسینی از ناپاکی‌ها، و در مقابل، رجس دانســـتنِ سیاســـت، حکومت و انقلابی‌گـــری اجتماعی. این بخش که بـــه نوعی عقبه و قدمت بیشتری از موردِ اول دارد، برخاسته از یک جهل مرکب است.
این‌که «هیأت نباید سیاســـی باشد» جمله‌ای بود که بارها از هیأت‌هایی که به ظاهر از بخش اول هم متظاهرتر به تدین بودند شنیده‌ایم.
آیا به واقع هدفِ قیامِ حسینی را می‌توان بدون تحلیلِ انقلابی کامل دانست؟ آیا اگر قیامِ حسینی، در میدانِ کربلا غالب می‌شـــد، حسین ابن علی ﷺ به کنجِ مسجد می‌رفت و سبحه بر کف می‌گرفت و با حکومت کاری نداشت!؟
اگر این‌گونه بود که در ادامه واقعه می‌بایست زینب کبری ﷺ مقنعه بر رخ می‌کشید و مستوری پیشه می‌کرد و کار به نظام ظالمانه حکومت یزیدیان نمی‌داشت. ابتر نگاه‌داشتنِ قیامِ حسینی در سایه چنین اندیشه‌ای، تاکتیکِ ثانویه دشمن جهت القای شبهه در آینده نزدیک بود.
شـــبهه‌ای که بعدها با طرح چنین مسئله‌ای خودنمایی کرد: اگر حسین می‌دانست کشته می‌شود، کار او یک خودکشی نبود؟

۳. تاکتیک سوم، ایجادِ برخی بدعت‌ها در مناسک حسینی بود.
«قمه‌زنی» یکی از بزرگ‌ترین مصادیقِ این امر است. آیا شعورِ حسینی و عرفانِ عاشورایی چنین عملی را برمی‌تابد؟
و جالب‌تر آن‌که دشـــمن در این بخش به خوبی توانســـته است، با قدســـی جلوه دادنِ همه مناسک ـ به بهانه این‌که انتقاد و رد هر یک از این موارد می‌تواند عقوبت داشـــته باشـــد ـ دقیقاً به نقطه هدف شلیک کند.
دشـــمن تلاش کرد تا عاشورای علامت و کتل و سنج و طبل و باند و آلات صوتی، جایگزینِ عاشورایِ حماسه کمالِ بشریت و معاشقه عارفانه تعبد محور گردد.
اینجاســـت کَه پای تظاهر و تفاخر به میدان باز می‌شـــود و هر که تیغهٔ علامتش بیش، هیأتش بیشتر! تعظیمِ شـــعائر بازیچه انحرافات می‌شود و خرافات جای کرامات را می‌گیرد. ناگاه می‌بینی که محبینِ حســـین در روزِ عاشـــورا به جای تدبر در قیام و اشکِ خالصانه بر امام شهید بر درختی که سمق سرخ می‌تراود دخیل بســـته‌اند و عده‌ای دیگر نیز با دوربینِ تلفنِ همراهشـــان، تصویر آن را ضبط می‌کنند. عاشـــورای تماشاچی‌پرور، عزادار را از میانه خیابان و دستهَ عزا، به پیاده رو و اختلاط با نامحرم، جهت تماشای دسته‌های عزا می‌کشاند.

۴. تاکتیک چهارم نیز ورود به هیأت‌داری با پول‌های ناپاک بود.
تغذیه مالی و پشـــتیبانی و تربیت عناصر دست‌پرورده بخشـــی دیگر از پروژه سکولاریزه کردن هیأت اســـت. مداحی که خوب بخواند اما از خوبی‌ها نخواند، از چشـــم بگوید و ابرو، نه از بصیرت و معرفت و ادب؛ واعظی که خوب سخن بگوید نه اینکه سخن خوب بگوید، اشک بر امام بریزد و نفی ولایت فقیه بکند؛ هیأتی که هر شب ده هزار نفر را اطعام کند ولی به ده نفر معرفت نبخشد، این هیأت‌سازی، باد کردنِ بادکنکی است که به ناخنِ طفلی منهدم خواهد شد.
عاشورای بی‌حماســـه عاطفی، عاَشورای یک دهه در سال است. هیأت‌هایی که مخاطبینش نتوانند در عاشورایی دیگر به یاری حسینی دیگر بشتابند.

۵. تاکتیک پنجم هیأت‌های هم... و هم... است!

هم برای حسین سینه بزن، هم هرچه خواستی بکن. هیأت‌هایی که حسینِ دیگر را صدا می‌زنند. حسینِ تعبد را کنار گذاشته‌اند. حسینِ نماز اول وقت، حسینِ حریت و آزادگی، حسینِ حافظ کرامت انسانی، حسینِ غم‌خوارِ عبودیتِ بشر، حسینِ خروج کرده بر اصلاح دین جدش، حسینِ کشتهٔ حرام‌زادگی و حرام‌خواری و حرام‌نوشی، و به واقع حسینِ خدا را رها کرده‌اند و صنمی ساخته‌اند که عیششان را نفی نکند.

آیا زینب در فراق این‌گونه حسینی سر بر چوبه محمل زد؟ در این بحث نوعی پلورالیزم و تکثرگرایی خزنده نیز به چشم می‌خورد. در حُسنِ رفتار غیر مسلمانان نسبت به حسین ابن علی ﷺ و کرامات فراوان نسبت به ایشان شکی نیست؛ اما قلمداد کردنِ این محبت و رفتارِ غیر مسلمانان، به عنوان یکی از شواهد پلورالیزم و تکثرگرایی دینی؛ خطری بزرگ و گناهی نابخشودنی است.

۶. اشاره به برخی تاکتیک‌های دیگر خالی از وجه نیست: ورود موسیقی‌های نامناسب به وادی فرهنگ حسینی، سبک سازیِ مبتذل در مداحی، استفاده ابزاری از تکنولوژی و رسانه، ترویج تجمل‌گرایی در هیأت‌ها، ایجاد نفاق و چنددستگی میان هیأت‌ها، از سویی ترویجِ خرافات و از سوی دیگر سست کردنِ اعتقادات مردم با ردِ این خرافات، مهمانی‌ها و محافل مختلط با عنوان سخیف حسین پارتی، ترویجِ پوشاک و آرایش عزا، ترویجِ بدحجابی و اباحی‌گری در ایام سوگواری، غلو در معارف، مغالطه در مفاهیم ناب، رد مناسک اصیل، ترویج لعن علنی و استفاده از محافل هیأتی برای ایجاد اختلاف مذهبی بین شیعه و سنی، بر حذر بودن از ارتباط هیأت با نظام اسلامی و ولایت فقیه، و چندین و چند مورد دیگر. این‌ها همگی برخی از شئونات انحراف در هیأت‌های مذهبی و تشکیل هیأت انگلیسی است.

وظایف در قبال توطئه‌های هیأت انگلیسی

به راســـتی هیأت‌های انقلابی در قبال این توطئه چه نقشـــی دارند؟ آیا بایست انفعال و سکوت پیشه کنند یا وظیفه‌شان، برخورد و مقابله مستقیم است؟ و یا راه سومی باید در پیش گرفت. به نظر می‌رسد بزرگ‌تریـــن هنرِ هیأت‌های انقلابی، ترویجِ مفهومِ صحیحِ هیأتی بودن، نمایشِ هیأت‌های شـــاخص با رویکرد انقلابی، و تبلیغ، تبیین و روشنگریِ در این وادیِ است.

وظیفه مادحین و وعاظ در این بخش بسیار اساسی است. سیاستِ اثباتی قطعاً بهتر از رفتارهای سلبی جواب می‌دهد؛ و این امر البته به علم، اندیشه‌ورزی و داشتنِ برنامه مدون محتاج است. هیأت انقلابی چون یک تشـــکل حق اســـت، می‌تواند به خودی خود، با هنر و اتقانِ توأمان، اصالت، تقوا و ســـلامتِ عملکرد، جریان‌های نامطلوب را نفی نموده و جامعه را به سمت فرهنگ اصیل حسینی رهنمون سازد. اینجاست که جایگاه محتوا به خوبی خودش را به رخ می‌کشد.

متفاوت بودن و مؤثر بودن، دو عنصرِ ظریفند که موجب جذابیت‌های اصلی نیز می‌گردند. ایجاد سهم نقش اجتماعی و داشتنِ ضریبِ نفوذ در عموم جامعه یکی از رسالت‌های یک هیأت انقلابی است.

به عبارت دیگر، هیأت بایَد در ســـطحی باشـــد که هم خودی‌ها در معادلاتشـــان لحاظش کنند و هم دشمن در اقداماتش آن‌را مانع خویش ببینند.

هیأتی که انزوا طلب کند و با لایه عمومی جامعه روی ترش نماید، هرچه هم از شهدا و ولایت بخواند و سینه بزند، باز هیأتِ تراز انقلاب نیست.

ذائقه‌سازیِ مثبت، بهترین تاکتیک برای برنامه‌های عمومی هیأت‌های انقلابی است؛ و این راهی است که از سرزمین هنر و اندیشه می‌گذرد. شعر، سبک، خطابه، فضاسازی، تبلیغات، محتواهای رسانه‌ای و مکتوب، مبادی ارتباطی مجازی و سائر عوامل را می‌توان در این حیطه برشمرد. هنرمندانه دیدنِ این عوامل از الزامات ذائقه سازی است.

نقـــش هیأت‌های انقلابی در مسئله سبک زندگی دینی کجاست؟
هیأت‌های انقلابی بنا است کجای این بارِ بر زمین مانده را بردارند؟

نقش هیأت انقلابی در برپایی تمدن نوین اسلامی

برپایی تمدن نوین اســـلامی بالاترین لایه فرآینـــد گفتمانی مقام معظم رهبری در بحث تحقق اهداف نظام اســـلامی است. این بحث از جانب حضرت ایشان در ســـفر مهرماه ۹۱ به استان خراسان شمالی ویژه‌تر از قبل بیان شـــد. ایشان با تبیین بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاریِ تحقق این فرآیند به «سبک زندگی دینی» به عنوان یکی از مهم‌ترین لایه‌های نرم افزاری این موضوع اشاره فرمودند.

در اینجا باید پرسید که نقش هیأت‌های انقلابی در مسئله سبک زندگی دینی کجاست؟ مأموریت‌های هیأت‌ها چیســـت؟ و راهبرد آن‌ها چه باید باشـــد؟ هیأت‌های انقلابی بنا است کجای این بارِ بر زمین مانده را بردارند؟

شـــاید به اجمال بتوان این‌گونه گفت که مأموریت اصلی و ذاتی هیأت‌های انقلابی تربیت است. تربیت حماسی، راهبردِ اصلیِ این مسئله است که با سبکِ زندگیِ دینی ارتباط مستقیم دارد. برآیند این امر، تغییر روش‌ها، دیدگاه‌ها و امیال عمومی در یک یا چند حوزه خواهد بود.

پرداختن به مباحث اصلی مانند ســـلوک حســـینی و یا مراقبه‌های عاشورایی، استفاده از سرفصل‌های تربیتی در خانواده حســـینی به عنوان یک مکتب تربیتی انسان‌ساز با استفاده از مصادیق متنوع سنی و قشری در واقعه کربلا، و همچنین توجه به نقش و جایگاه زن و خانواده به عنوان بستر اصلی تحقق ســـبک زندگی دینی، و رهیافت به مبانی «خانواده عاشورایی»، و تعریف از خانواده حسینی و خانواده یزیدی، می‌تواند بخش عمده‌ای از ســـوالات را پاســـخگو باشـــد. در هیأت انقلابی ترویج و اشاعه این

مفاهیم، از طریق همه عوامل محتواساز، می‌تواند به عنوان مأموریت اصلی قلمداد شود.
گذشـــته از بحث مهم سبک زندگی دینی، به عنوان عامل مهم نرم‌افزاریِ برپایی تمدن نوین اسلامی، باید به نکته اساســـی دیگری نیز توجه کرد؛ و آن نکته تغییر در ساختارها و نظام‌های ظالمانه عالم به نفع مفاهیم متعالی توحیدی است.
تغییر، انقلاب و دگرگونی نیز در بطن حادثه کربلا نهفته اســـت. آن‌چه که از حماســـه و عاطفه، تعقل و عشـــق، کرامت بشری و مفاهیم بلند انســـانی، آرمان‌گرایی و واقع‌نگری، و تعبد و وحدانیت در کربلا به مصداق اکمل دیده می‌شـــود؛ می‌تواند در صدر ملهمـــات انقلابیون جهان، به ویژه در جریان عظیم بیداری اسلامی، به عنوان یکی از بارقه‌های درخشان تمدن نوین اسلامی گنجانده شود.
هیأت‌های انقلابی با تبیین و گسترش و تبلیغات مؤثر می‌توانند در انعکاس این مفاهیم نقشی اساسی ایفا نمایند.
در پایـــان این بخش، بیان یک شـــهید چه زیباســـت: ما نه تنها می‌خواهیم قـــدس را فتح کنیم بلکه می‌خواهیم کاخ سفید را نیز به حسینیه تبدیل کنیم.

به راســـتی که در مقابله با جنگ نرم استکبار و دشمنان، ایـــن روضه‌های حسینی است که به مثابه یک قدرت نرم عمل می‌نماید. راه مقابله با جنگ نرم نیز تولید قدرت نرم است؛ و این قدرت را نـــه از ماهواره‌ها و رسانه‌ها، که اهل ولایت با شیر از مادر گرفتند!

رابطه هیأت انقلابی با خاستگاه اصلی خود

درخـــتِ پربارِ هیأت انقلابی در باغســـتانِ انقلاب اســـلامی و به دســـتان باغبـــانِ اعظم خویش یعنی سیدالشـــهدا ﷺ و حضرت ولی عصرﷺ و با تلاش‌های مجاهدانه امام عزیز عظیم‌الشـــأن (ره) و رهبری عالی‌قدر (مدظله‌العالی) بر آسمان فرهنگ و دین و معرفت سر برافراشته است. گذر از گردنه‌ها و سینه کش‌های سخت و طاقت‌فرسا، هم‌پای انقلاب، این حرکتِ عظیم و خالصانه را قدرتمندتر کرده است.
در هر جای این ســـرزمین محمدی که بنگریم، می‌بینیم که فانوس‌های روشـــنی از رشحات خورشید حسینی متبلور است، و هر صبح و شام هودج‌هایی از نور فاطمی بر این دیار سایه می‌افکند. به راستی که در مقابله با جنگ نرم اســـتکبار و دشـــمنان، این روضه‌های حسینی است که به مثابه یک قدرت نرم عمل می‌نماید. راه مقابله با جنگ نرم نیز تولید قدرت نرم اســـت؛ و این قدرت را نه از ماهواره‌ها و رسانه‌ها، که اهل ولایت با شیر از مادر گرفتند!
نقش اساســـی هیأت‌های انقلابی به عنوان حافظان اصلی انقلاب بســـیار خطیر و تعیین کننده است. حراست از دســـتاوردها و مقابله با توطئه‌ها و تربیتِ نیرویِ انسانیِ تراز انقلاب اسلامی و جریان‌سازیِ اجتماعی در جهت پیش‌بردِ اهدافِ انقلاب اسلامی، بخشی از رسالت‌های مهم هیأت‌های انقلابی است. امام عزیزمان چه لطیف همه داراییِ ما را در این انقلاب، مدیون محرم و صفر دانسته است. او حکیمانه، فرصتِ هیأت‌هایِ انقلابی و روضه سیدِ مظلومان را راه نجات، تعالی و رشدِ این انقلاب برشمرده است. انقلابی که در محرم به پیروزی رســـید و بیشترین عملیات‌هایش در طول هشت سال در ایام فاطمیه انجام شـــد و به‌ازای هر روز جنگ در این ۸ ســـال تقریباً ۷۲ شهید تقدیم کرد، ذاتاً با حماسه حسینی گره خورده است. علت مُبقیه همان علت مُحدثه است؛ و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!
پایان این بحث کلی نیز با این دو تک بیتی کوتاه زیباتر خواهد شد :

ما به جمهوری زهرایی خود می‌نازیم/ ورنه بی فاطمه این خطه ایران هیچ است

و همچنین :

شد جهان منقلب از آمدن شاگردی　　چه شود حال جهان گر برسد استادش؟



هیأت تراز انقلاب اسلامی،

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت کرد، همان هیأت الگویی که گوشه‌گوشه و لحظه‌لحظه‌اش باید مورد رضایت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه باشد. هیاتی که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...

ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید، اما لازم است و ضروری...

❊ ❊ ❊

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم

۶۷ ۸۹ ۹۲ ۳۲ - ۰۲۵
۱۴۰۶ ۰۰۰ ۳
www.fatemiyon.ir
info@fatemiyon.ir

۱۵۴۲ ۰۰۰ ۳
۰۲۵ - ۳۲ ۹۲ ۸۹ ۵۱
www.۱۵۴۲.ir
mag@۱۵۴۲.ir